

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

۲۲ مارچ ۲۰۱۵

## یادداشت پورتال:

مطلب ارزشمنند وطندار گرامی ما جناب محمد ناصر مستجاب، مقیم کشور بلغاریا، قبلاً به تاریخ نهم مارچ ۲۰۱۵ به آدرس ایمیل پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" موصلت کرده و به اثر اشتباه تخنیکي پرسونل پورتال از نظر دور مانده بود. اینک که از طریق ایمیل مجدد ایشان از جریان واقف گشتیم، مقاله شان را با تأخیر سه روزه منتشر ساخته و از آن عزیز صمیمانه پوزش می‌خواهیم. موفق و سرفراز باشند.

با محبت فراوان  
اداره پورتال

محمد ناصر مستجاب – بلغاریه  
۲۲ مارچ ۲۰۱۵

## استاد استادان سخن،

### استاد خلیل الله خلیلی

در زمانی که اولین مجموعه های اشعار جناب خلیل الله خلیلی در ایران چاپ میشد، ایرانیان او را "خلیلی افغان" مینامیدند؛ و آن وقتی بود، که این سخنسرای کم نظیر هنوز لقب استاد را دریافت نکرده بود. مگر بعدها نام مکمل استاد خلیل الله خلیلی و مخففاً استاد خلیلی سر زبانها افتاد و عام شد؛ هم در وطن ما و هم در ایران و منطقه.  
مقاله بی اندازه نغز و پرتکمین نویسنده عالیقدر، جناب ولی احمد نوری را در مورد قیام ۲۴ حوت خواندم. ایشان در خلال مقاله خویش اثری از استاد خلیلی را که متضمن نثر و نظم بود، تیمناً و بعینه و جنساً نقل کرده بودند.

یک وقتی از زبان بزرگان فضل و ادب کشور برادر ما ایران و استادان نامدار ادبیات آنجا، چون استاد بدیع الزمان فروزانفر، استاد سعید نفیسی و داکتر لطفعلی صورتگر و دیگران خوانده بودم، که جایگاه استاد ما را تا عرش معلا بالا برده و آورده بودند، که خلیلی افغان هم در نظم و هم در نثر صاحب چنان صلاحیت و صلابتی مییابد، که کمتر کسی در منطقه به پایۀ او میرسد. حالا وقتی مقاله استاد مرحوم خلیلی را مرور کردم، توانستم عظمت ادبی آن بزرگمرد را اندکی دریابم و از دل و جان سخنان استادان نامبرده ایران را تصدیق کنم. بنده در مطالعه حریص هستم و با ولع و حرص زائدالوصف میخوانم، ولی خود کمتر دست به قلم میبرم، چون میدانم که در میدان نگارش حتی مراحل و پته های ابتدائی آن را هم نپیموده ام.

مقاله استاد خلیلی زیر عنوان "سوزن زر و جامه سفید" متشکل است از دو قسمت؛ یکی منثور و با نثری که جغه اش به آسمان میرسد و دیگر قسمت منظوم که قصیده ای عظیم النظیر است و در زمانه ما نتوان مثالش را نه در افغانستان و نه در ایران سراغ گرفت. اگر کسی ذوق ادبی داشته و از صنایع لفظی و کمالات شعری بهره ای برده باشد، بی ریا تصدیق میکند، که نه این نثر استاد را کسی تواند نوشت و نه آن قصیده دل انگیزش را. چنین قصیده ای را فقط در هزار سال پیش ضمن کلام استاد فرخی سیستانی و استاد منوچهری دامغانی، میتوان پی گرفت.

اگر از جنبه ادبی مقاله استاد بگذریم و پیام سیاسی این مقاله و خصوصاً بخش منظوم آن را با دقت مورد حلاجی قرار بدهیم، دیده میتوانیم که استاد نامور ما با چه زبانی وحدت و همبستگی ملی ما افغانان را تبلیغ میکند. ببینید که استاد چه میگوید:

دو همدل اند و برادر، هرات با پنجشیر	قسم به آنکه بهار و دی و خزان آورد
امین خرّقه دو شهر است، قندهار و هرات	خوش آن دیار که تعظیم خرقتان آورد
یکیست نعره تکبیر در دل کهسار	چه شیر غزنه، چه شهباز بامیان آورد
صدای بلخ و بدخشان، صدای گردیز است	بدا کسی که تفاوت به این و آن آورد

فکر میکنم که پیام وحدت و برادری - و آن هم با حلیه موزون عروزی - ازین بالاتر و زیباتر بیان شده نمیتواند.

روان استاد فقید ما، خلیلی افغان، شاد باد و مرحبا به ذوق سلیم و بصیرت نوری صاحب محترم؛ زنده باشند و سلامت تا ازین نوشته های عالی ایشان همه بهره بگیریم.